



اثربخشی آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام بر توانمندسازی روان-شناختی، مهارت‌های اجتماعی و کاهش ولع مصرف در معتادان کلینیک‌های ترک اعتیاد

الهه باقرزاده^۱، ناصر امینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام بر توانمندسازی روان‌شناختی، مهارت‌های اجتماعی و کاهش ولع مصرف معتادان کلینیک‌های ترک اعتیاد بود. روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری را بیماران تحت درمان با متادون کلینیک‌های ترک اعتیاد شهر مشهد در سال ۱۳۹۷ تشکیل می‌دادند. تعداد ۳۰ نفر از جامعه به شیوه نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای ورود به پژوهش انتخاب و به شیوه تصادفی ساده به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. هر دو گروه پرسش‌نامه‌های توانمندسازی روان‌شناختی استروم و همکاران (۱۹۹۷)، پرسش‌نامه مهارت‌های اجتماعی ثورپ و همکاران (۱۹۳۹) و پرسش‌نامه ولع مصرف فرانکن و همکاران (۲۰۰۰) را تکمیل نمودند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۱ ساعته به صورت ۲ جلسه در هفته تحت آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام قرار گرفتند. گروه گواه هیچگونه آموزشی دریافت نکردند. **یافته‌ها:** نتایج نشان داد میانگین نمرات توانمندسازی روان‌شناختی و مهارت‌های اجتماعی گروه آزمایش به‌طور معنی‌داری بیش از گروه گواه و میانگین نمرات ولع مصرف کمتر بود. **نتیجه‌گیری:** آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام توانسته زمینه‌ساز کاهش ولع مصرف و افزایش توانمندسازی روان‌شناختی و مهارت‌های اجتماعی شود. بنابراین می‌تواند به عنوان یک روش اثربخش در بهبود وضعیت بیماران تحت درمان اعتیاد مورد استفاده قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: مدیریت استرس به شیوه مایکن بام، توانمندسازی روان‌شناختی، مهارت‌های اجتماعی، ولع مصرف، معتادان

۱. کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران واحد الکترونیکی، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه بوشهر، پست الکترونیکی: amini_n2010@yahoo.com

مقدمه

اعتیادیک بیماری روانی، اجتماعی، اقتصادی است که بر اثر فعل و انفعال تدریجی بین بدن انسان و مواد شیمیائی تحت تأثیر یک سلسله شرایط و اوضاع و احوال خاص روانی، اقتصادی، اجتماعی و سنتی به وجود می آید. وابستگی روانی، مشخصه اصلی آن بوده و می تواند توامان با وابستگی های جسمانی چالش هایی را برای فرد بیمار ایجاد نماید (جابران، ۱۳۹۱). بر همین اساس چند وجهی بودن اعتیاد، می تواند سبب شود که درمان های تک بعدی اثر خاصی بر آن نداشته باشد و لغزش های پی در پی را برای بیمار به همراه داشته باشد (مددیان ابهری، ۱۳۹۱). به همین دلیل عموماً در اماکن درمانی اعتیاد، به صورت تلفیقی از روش های دارو درمانی و مداخلات روان شناختی و اجتماعی استفاده می شود (تیوینگ فی، پی، هابیل و دلنای^۱، ۲۰۱۶). هدف کلی همه این مراکز، توانمندی روان شناختی بیمار است که می تواند تأثیر مستقیمی بر روند بیماری داشته باشد (حسین زاده، ۱۳۹۷). توانمندسازی روان شناختی^۲ به فرایندی اشاره دارد که در آن افراد به لحاظ روان شناختی و رفتاری برای سازماندهی زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خود توانمند می شود؛ به طوری که افراد به توانمندی در انتخاب، کنترل بر زندگی، توانایی تصمیم گیری و مهارت های زندگی دست می یابند که نتیجه آن بهبود خود کارآمدی، کارکردهای شناختی و مقابله با اضطراب ها و فشارزاهای محیطی است (سوینی^۳، ۲۰۱۲؛ نقل از جعفری، جعفری و حسینی، ۱۳۹۶). در توانمندسازی روان شناختی، آگاهی از علائق شخصی، احساس خود کارآمدی و مسئولیت شخصی برای تغییر در روابط اجتماعی و به تبع آن بهبود شرایط اجتماعی و رشد علائق روانی و اجتماعی مطرح می باشد و سه بعد شایستگی، احساس مؤثر بودن، احساس معنادار بودن و اعتماد را تشکیل می دهد که می تواند به بهبود وضعیت بیماران بیانجامد (کونگر، رابیندرا و کانونگو^۴، ۲۰۱۲). شواهد نشان می دهد توانمندی روان شناختی می تواند بر کیفیت درمان افراد معتاد مؤثر باشد به طوری که جعفری، جعفری و حسینی (۱۳۹۶) در پژوهشی نشان

1. Teoh Bing Fei, Yee, Habil,
Danaee
2. psychological empowerment

3. Coyne
4. Conger, Rabindra & Kanungo

دادند توانمندسازی روان‌شناختی در کاهش اضطراب و بهبود کارکردهای اجرایی زنان معتاد موثر است. همچنین ثوابی (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داد توانمندسازی روان‌شناختی در برابر آسیب‌های روانی و اجتماعی، می‌تواند بر کاهش گرایش افراد به مصرف مواد مخدر بیانجامد.

از طرفی توانمندی روان‌شناختی، می‌تواند با مهارت‌های اجتماعی همپوشی داشته باشد به طوری که افراد برخوردار از توانمندی روان‌شناختی از مهارت‌های اجتماعی بالاتری برخوردار می‌باشند (کرمی، ۱۳۹۷). چرا که مهارت‌های اجتماعی به عنوان مهارت‌های لازم برای تطبیق با نیازهای اجتماعی و حفظ روابط بین فردی رضایت بخش در نظر گرفته می‌شود که موانع روابط اجتماعی مثبت و عملکرد اجتماعی آموخته شده را بر طرف نموده و می‌تواند به عملکرد موثر و مفید کمک نماید (ماتسون و ماتسون^۱، ۲۰۱۳). این مهارت‌ها، عبارت است از رفتارهای انطباقی فرا گرفته شده، که فرد را قادر می‌سازد با افراد مختلف روابط متقابل داشته باشد، واکنش‌های مثبت بروز دهد و از رفتارهای دارای پیامد منفی اجتناب نماید (انتصارفومنی و کابینی مقدم، ۱۳۹۵). افراد برخوردار از مهارت‌های اجتماعی این توانمندی را دارند که می‌توانند با دیگران به گونه‌ای رفتار نمایند که به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و انجام وظایف خود در حد معقولی نائل آیند و حقوق، الزامات، رضایت خاطر و وظایف دیگران را نیز نادیده نگیرند (هارجی، ساندرس و دیکسون^۲، ۲۰۱۳). تحقیقات نشان داده‌اند که توانمندی در مهارت‌های اجتماعی موجب بهبود روابط اجتماعی شده و سازگاری اجتماعی را به دنبال دارد. به طوری که پژوهش نادری، برجعلی و منصوبی فر (۱۳۹۰) نشان می‌دهد سازگاری فردی و اجتماعی و ابراز وجود تحت تاثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بهبود می‌یابد.

شواهد نشان می‌دهد افراد وابسته به اعتیاد، فارغ از هر نوع درمانی که در پیش گرفته‌اند زمانی به توانمندی دست می‌یابند که بتوانند نسبت به وسوسه مصرف مقاوم باشند زیرا وسوسه مصرف یکی چالش‌ها بزرگ برای معتادین تحت درمان محسوب می‌شود.

و سوسه مصرف و یا ولع مصرف^۱ یک مفهوم کلیدی در تداوم وابستگی، سوء مصرف و عود می باشد (ریس و ویلیوس^۲، ۲۰۱۶). هورمس و روزین^۳ (۲۰۱۰) ولع را احساس بسیار قوی و خواستن فوری یک چیز؛ به طوری که امکان هرگونه تمرکز بر موضوعی غیر از موضوع خواسته شده ناممکن باشد تعریف می نمایند. این امر عموماً در رویارویی با نشانه‌های مرتبط با تجارب یا تخیلات فرد بیمار از شرایط مربوط به لذت مصرف پدید می آید و می تواند به یک میل شدید و مقاوم برای مصرف مواد تعریف شود. این مفهوم، از مهم ترین زیرساخت های شناختی مورد توجه در دانش وابستگی به مواد بوده و به عنوان بارزترین عامل بازگشت به مصرف مواد در جایگاه هسته مرکزی وابستگی به مواد قرار دارد؛ چرا که وجود آن می تواند موجب عدم موفقیت درمان جو در پروسه درمان شود و فرد تحت درمان را با شکست روبرو سازد (کوهستانی و درتومی، ۱۳۹۴). به همین دلیل، درمان گران اعتیاد به دنبال روش هایی هستند که ضمن ارتقای توانمندی های روانی و اجتماعی بیماران، بتوانند از بروز و سوسه های مصرف جلوگیری نمایند. با توجه به این که اضطراب و استرس می تواند به عنوان یکی از دلایل گرایش به مصرف مواد در افراد در نظر گرفته شود، به نظر می رسد روش های مدیریت استرس می تواند تا حدودی به افزایش توانمندی های روانی و اجتماعی کمک نماید (کریمیان، ۱۳۹۱). آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام نیز، یکی از روش های شناختی رفتاری بوده و به نظر می رسد می تواند در بهبود وضعیت بیماران وابسته به اعتیاد موثر باشد؛ که تکنیک های مختلفی را همچون آرمیدگی، ابراز گری، مقابله کارآمد، بازسازی روان شناختی، افزایش خود کارآمدی و ایجاد حمایت اجتماعی را شامل شده و هدف آن کاهش حالات خلقی منفی، انزوا و اجتماعی و ارتقای سازگاری هیجانی و اجتماعی می باشد (آنتونی، لیچنر، کیزی و ویمبرلی^۴، ۲۰۰۶).

پژوهش ها نشان داده اند که سوء مصرف کنندگان، هنگام مواجهه به مسائل و مشکلات هیجانی شدید و استرس های محیطی، به دلیل از دست دادن شیوه های حل مسئله کارآمد،

1. craving
2. Reese, Veilleux
3. Hormes & Rozin

4. Antoni, Lechner, Kazi & Wimberly

بیشتر به سمت مصرف مواد روی می آورند؛ به همین دلیل آموزش مهارت‌های مدیریت استرس می‌تواند به موفقیت درمان اعتیاد کمک نماید (پرایس و هرتینگ^۱، ۲۰۱۳، کوپ^۲، ۲۰۱۳، گیبر^۳، ۲۰۱۲). پژوهش رجب‌پور، نریمانی، میکائیلی و حاجلو (۱۳۹۷) نشان داد، مداخلات روان‌شناختی از جمله روش‌های توانمندسازی رفتاری و آموزش مهارت‌های روان‌شناختی می‌تواند در پیشگیری از عود اعتیاد موثر باشد. پژوهش رحیمی، حسین ثابت و سهرابی (۱۳۹۵) نشان داد مدیریت استرس هم در کوتاه مدت و هم در طولانی مدت، تلثیر معناداری در تقویت نگرش منفی به مصرف مواد و افزایش توانمندی‌های روان‌شناختی معتادان دارد. معنوی (۱۳۹۲) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافت که درمان گروهی مدیریت استرس به شیوه شناخت رفتاری بر سبک‌های مقابله با استرس، استرس ادراک شده و ولع مصرف مواد موثر است. و پورسید موسایی، موسوی و کافی (۱۳۹۱) نشان دادند بین استرس با ولع مصرف القائی و بین استرس با ولع مصرف لحظه‌ای رابطه مثبت وجود دارد و بین مصرف کنندگان مختلف در میزان استرس و ولع مصرف القائی و ولع مصرف لحظه‌ای تفاوت وجود دارد. توریس بریو، گاستا، لوپزگازمان و ناوامیسا^۴ (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که بین توانمندی در تحمل فشار روانی و وسوسه مصرف مواد در معتادان رابطه وجود دارد و به هر میزان که فشار روانی افزایش یابد وسوسه مصرف افزایش می‌یابد. بلاین، نوتیال، هارت، جورناکیا، و شینها^۵ (۲۰۱۸) نشان دادند بین استرس و ولع مصرف الکل رابطه وجود دارد و افراد توانمند در مدیریت استرس، در مصرف الکل پاسخ‌های انگیزشی مناسب‌تری را دریافت می‌نمایند. از این رو این پژوهش با هدف تعیین اثربخشی آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن‌بام بر توانمندسازی روان‌شناختی، مهارت‌های اجتماعی و کاهش ولع مصرف معتادان کلینیک‌های ترک اعتیاد شهر مشهد انجام شد.

1. Price & Herting
2. Koob
3. Geiber

4. Torres-Berrio, Cuesta, Lopez-Guzman, Nava-Mesa
5. Blaine, Nautiyal, Hart, Guarnaccia, Sinha

روش

جامعه، نمونه، و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش از روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. جامعه آماری آن را بیماران تحت درمان با متادون کلینیک‌های ترک اعتیاد شهر مشهد در سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. نمونه مورد نظر نیز ۳۰ نفر از این افراد می‌باشند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند بر اساس معیارهای ورود به پژوهش انتخاب شده و به شیوه تصادفی ساده به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند.

ابزار

۱- پرسش‌نامه توانمندسازی روان‌شناختی: پرسش‌نامه توانمندسازی روان‌شناختی یا توانمندی ایگو استروم و همکاران که در سال (۱۹۹۷) ساخته شد، ابزاری خودگزارشی است و شامل ۵۲ عبارت و ۸ خرده‌مقیاس به نام‌های امید، خواسته، هدف، شایستگی، وفاداری، عشق، مراقبت و خرد. افراد به هر یک از عبارات در یک طیف ۳ درجه‌ای پاسخ می‌دهند به این صورت که اگر جمله‌ای همیشه یا در اغلب مواقع در مورد آن‌ها درست باشد در پاسخ‌نامه در مقابل شماره مربوط به آن علامت ضربدر و اگر جمله‌ای همیشه یا در اغلب مواقع در مورد آنها درست نباشد در پاسخ‌نامه در مقابل شماره مربوط به آن علامت منفی می‌گذارند. نهایتاً اگر جمله‌ای به آن‌ها مربوط نشود یا چیزی است که نمی‌توانند در مورد آن تصمیم بگیرند در پاسخ‌نامه در مقابل شماره مربوط به آن جمله هیچ علامتی نمی‌گذارند. نمره کل با مجموع نمرات خرده‌مقیاس‌ها به دست می‌آید. این پرسش‌نامه دارای اعتبار و روایی قابل قبولی است. نتایج ضریب بازآزمایی برای خرده‌مقیاس‌ها (با فاصله ۹ هفته) بین ۰/۸۰ تا ۰/۷۲ و همبستگی بین آن‌ها در بازه‌ی ۰/۳۸ تا ۰/۴۹ گزارش شده است. ضریب آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس امید ۰/۸۲، خواسته ۰/۸۱، هدف ۰/۸۳، شایستگی ۰/۷۳، وفاداری ۰/۸۰، عشق ۰/۸۱، مراقبت ۰/۸۳ و خرد ۰/۸۰ گزارش شده است (استروم و همکاران، ۱۹۹۷). پرویز، آقا محمدیان شهرباف و دهقانی (۱۳۹۶) ضریب آلفای کرونباخ کل را ۰/۸۲ گزارش کردند.

۲۷۰

270

سال سیزدهم، شماره ۵۴، زمستان ۱۳۹۸
Vol. 13, No. 54, Winter 2020

۲- پرسش نامه مهارت های اجتماعی: این پرسش نامه یک سیستم ارزیابی مبتنی بر نقاط قوت است که برای ارزیابی خصوصیات و مهارت های اجتماعی بزرگسالان توسط ثورپ، کلارک و نیکز (۱۹۳۹) طراحی شده است. دارای ۹۰ سوال و دو خرده مقیاس است که شامل مهارت در سازگاری با خویشتن و مهارت در سازگاری اجتماعی می باشد. نمره گذاری به صورت صحیح- غلط بوده که به گزینه غلط "صفر" و به گزینه درست نمره "یک" تعلق می گیرد. ضریب آلفای کرونباخ مؤلفه ها توسط ثورپ، و همکاران (۱۹۳۹) ۰/۸۸، ۰/۷۸ گزارش شده است. صبور (۱۳۹۴) ضریب آلفای کرونباخ کل را ۰/۸۹ گزارش کرده است.

۳- پرسش نامه ولع مصرف: این پرسش نامه با محوریت ولع مصرف به عنوان یک حالت انگیزشی توسط فرانکن، هندریکز، ون دن برنیک (۲۰۰۰) طراحی و ولع مصرف مواد دوره ای را مورد سنجش قرار داد. شامل ۱۴ سوال و سه خرده مقیاس به نام های: تمایل و قصد نسبت به مصرف مواد (سوالات ۱، ۲، ۱۲، ۱۴)، میل به مصرف و تقویت منفی یا باور به رفع مشکلات زندگی و کسب لذت همزمان با مصرف مواد (سوالات ۷، ۴، ۱۱، ۹، ۵)، و لذت و شدت فقدان کنترل (سوالات ۱۳، ۱۰، ۶، ۳) است. این سه مؤلفه با هم دارای همبستگی بالایی هستند. ضریب آلفای کرونباخ در بررسی مکرری و همکاران (۱۳۸۹) در سوء مصرف کنندگان انواع مختلف مواد افیونی از جمله کراک و هروئین به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۴۰ و در سوء مصرف کنندگان مت آمفتامین به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۵، و ۰/۸۱ گزارش شد.

روند اجرا

بعد از انتخاب نمونه و تقسیم بندی تصادفی آنها گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۱ ساعته به صورت ۲ جلسه در هفته تحت آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام قرار گرفت. محتوای جلسات در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: محتوای آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام به تفکیک جلسات (برگرفته از: آفاکدی و اعتمادی، ۱۳۹۳)

جلسه‌ها	محتوای جلسه‌ها
اول	معرفی و آشنایی اعضا، بیان مفهوم استرس و آرمیدگی عضلانی تدریجی برای ۱۶ گروه ماهیچه‌ای.
دوم	آرمیدگی عضلانی تدریجی برای ۸ گروه ماهیچه‌ای.
سوم	تنفس دیافراگمی و تمرین، آرمیدگی عضلانی تدریجی برای ۴ گروه ماهیچه‌ای، تصویر سازی و آرمیدگی و ارتباط افکار و هیجانات.
چهارم	آرمیدگی عضلانی تدریجی منفعل همراه با تصویر سازی مکان خاص، تفکر منفی و تحریفات شناختی.
پنجم	آموزش خودزاد، جایگزینی، جایگزینی افکار منطقی و گام‌های آن و تفاوت بین خودگویی منطقی و غیرمنطقی و تمرین خودزاد، مقابله کارآمد و ناکارآمد، تعریف و انواع آن.
ششم	آموزش خودزاد همراه با تصویر سازی و خودالقایی، مراقبه نور خورشید همراه با خودزادها، آموزش ابر ازگری.
هفتم	مراقبه، تمرین مراقبه‌ای مانترا و حمایت اجتماعی.
هشتم	مراقبه شمارش تنفس، انجام یکی از تمرین‌های آرمیدگی جلسات قبل، تشکر و قدردانی.

یافته‌ها

میانگین سنی گروه آزمایش ۳۴/۳ با انحراف استاندارد ۷/۳۴ سال، و میانگین سنی گروه گواه ۳۱/۹ با انحراف استاندارد ۷/۶۱ سال و میانگین سنی مجموع افراد نمونه ۳۳/۱ با انحراف استاندارد ۷/۵۱ سال بود. از مجموع شرکت کنندگان ۱۴ نفر (۴۶/۷٪) زیر سیکل، ۱۰ نفر (۳۳/۳۳٪) سیکل تا دیپلم و ۶ نفر (۲۰٪) دیپلم و بالاتر بودند. آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک گروه‌ها در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه به تفکیک گروه‌ها

گروه‌ها	نوع آزمون	ولع مصرف		مهارت‌های اجتماعی		توانمندسازی روان‌شناختی	
		میانگین	انحراف- استاندارد	میانگین	انحراف- استاندارد	میانگین	انحراف- استاندارد
آزمایش	پیش آزمون	۵۵/۲۶	۱۰/۱۹	۶۸/۸۶	۱۸/۱۱	۱۰۳/۸۶	۱۸/۱
	پس آزمون	۴۳/۶۶	۸/۰۲	۷۱/۱۶	۱۸/۴۱	۱۱۸/۶	۱۸/۴۱
گواه	پیش آزمون	۵۵/۰۶	۸/۷۲	۶۶/۳۱	۱۹/۲۴	۱۰۲/۳	۱۹/۲۴
	پس آزمون	۵۵/۳۵	۹/۰۹	۶۶/۹۱	۱۹/۱۱	۱۰۳/۹	۱۹/۱۱

برای بررسی نرمال بودن توزیع از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان داد در ولع مصرف ($Z=0/117, P>0/05$)، توانمندسازی روان‌شناختی ($Z=0/118, P>0/05$)، و مهارت‌های اجتماعی ($Z=0/142, P>0/05$) این مفروضه برقرار است. برای بررسی همگنی واریانس‌ها از آزمون لون استفاده شد. نتایج آزمون لون نشان داد در ولع مصرف ($F=2/49, P>0/05$)، مهارت‌های اجتماعی ($F=3/04, P>0/05$)، و توانمندسازی روان‌شناختی ($F=2/14, P>0/05$)، همگنی واریانس‌ها برقرار است. بنابراین برای بررسی اثربخشی آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام بر توانمندسازی روان‌شناختی، مهارت‌های اجتماعی و کاهش ولع مصرف از تحلیل کواریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج حکایت از تفاوت معنادار دو گروه با هم داشت ($F=0/191$)=اندازه اثر، تحلیل کواریانس تک‌متغیری به شرح جدول ۳ استفاده شد.

جدول ۳: نتایج تحلیل کواریانس تک‌متغیری برای بررسی الگوهای اثربخشی بر متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	معناداری	مجذور اتا
ولع مصرف	۱۰۵۲/۴۴	۱	۱۰۵۲/۴۴	۲۷/۷۲	۰/۰۰۰۵	۰/۵۱۶
مهارت‌های اجتماعی	۱۴۰/۹۶	۱	۱۴۰/۹۶	۲۰/۸۷۹	۰/۰۰۰۵	۰/۴۳۶
توانمندسازی روان‌شناختی	۷۴/۲۰	۱	۷۴/۲۰	۴/۸۰	۰/۰۳	۰/۱۶

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تعیین تاثیر آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن بام بر توانمندسازی روان‌شناختی، مهارت‌های اجتماعی و کاهش ولع مصرف معنادار کلینیک‌های ترک اعتیاد شهر مشهد انجام گرفت. نتایج نشان داد آموزش بر افزایش توانمندسازی روان‌شناختی و مهارت‌های اجتماعی و کاهش ولع مصرف موثر است. این یافته با پژوهش رجب‌پور، و همکاران (۱۳۹۷) همراستاست. آن‌ها نشان داند مداخلات روان‌شناختی از جمله روش‌های توانمندسازی رفتاری و آموزش مهارت‌های روان‌شناختی می‌تواند در پیشگیری از عود اعتیاد موثر باشد؛ همچنین پژوهش سپهری نسب و حسین

ثابت (۱۳۹۴) نشان داد تفاوت معناداری بین گروه آزمایش که آموزش مدیریت استرس به شیوه شناختی-رفتاری را دریافت نموده و گروه گواه، در میزان تکانشگری و توانمندی روان شناختی معتادین، وجود دارد. پژوهش صفری و موسوی زاده (۱۳۹۲) نیز نشان داد عوامل مختلفی بر بازگشت به سوء مصرف مواد تاثیر گذار هستند و استرس و فشار روانی نقش برجسته‌ای در عود اعتیاد دارد؛ پژوهش توریس بریو، و همکاران (۲۰۱۸) نشان داد بین توانمندی در تحمل فشار روانی و وسوسه مصرف مواد در معتادان رابطه وجود دارد؛ پژوهش بلاین، نوتیال، هارت، جورناکیا، و شینها^۱ (۲۰۱۸) نشان داد بین استرس و ولع مصرف الکل رابطه وجود دارد و افراد توانمند در مدیریت استرس، در مصرف الکل پاسخ‌های انگیزشی مناسب‌تری را دریافت می‌نمایند؛ پژوهش لوبیتز و دوویدیو^۲ (۲۰۱۵) نشان دادند، راهبردهای تنظیم هیجان و مدیریت فشار روانی با نگرش‌های اجتماعی و افزایش مهارت‌های اجتماعی در ارتباط است.

در تبیین این یافته می‌توان این‌گونه عنوان داشت که اثربخشی رویکرد حاضر بر متغیرهای پژوهش می‌تواند سلسله‌وار به یکدیگر مرتبط باشد. به این صورت که توانمندی افراد در مدیریت استرس که با رویکرد مایکن بام ارائه شد، ضمن تقویت احساس آرامش، توانست آموزش‌هایی را به افراد ارائه نماید که جزو مهارت‌های حل مسئله هیجان‌مدار قلمداد شده که احساس توانمندی روان شناختی را به همراه داشته است. در واقع افراد زمانی احساس توانمندی روان شناختی را تجربه می‌نمایند که روش‌هایی را جهت سازگاری با مشکل، حل مسئله و ایجاد احساس آرامش فرا گرفته باشند و بتوانند آن را به کار برند. همچنین مهارت‌های اجتماعی می‌تواند، جزو توانمندی‌های روان شناختی مد نظر قرار گیرد؛ چرا که مهارت در ارتباطات اجتماعی و پذیرش رفتارهای مثبت اجتماعی نوعی توانمندی روان شناختی می‌باشد پس قاندا تا احساس توانمندی روان شناختی، توانمندی در مهارت‌های اجتماعی را نیز به دنبال داشته است. از طرفی شواهد نشان داده که استرس عاملی موثر در لغزش و عود مصرف مواد مخدر در بیماران تحت درمان است (توریس بریو، و همکاران،

1. Blaine, Nautiyal, Hart, Guarnaccia, Sinha

2. Lebowitz & Dovidio

۲۰۱۸). بر همین اساس توانمندی در مدیریت استرس با این رویکرد توانست مدیریت فشار روانی را در افراد افزایش دهد و توانمندی در مدیریت استرس باعث کاهش وسوسه و ولع مصرف مواد در بیماران شود. این رویکرد با تاثیرگذاری در فرایندهای فکری افراد، با تاکید بر نقش فکر، احساس و رفتار که پایه درمان شناختی رفتاری است و تاکید فزاینده بر خودگویی‌ها و تغییر رفتار از طریق توالی فرآیندهای میانجی و تعامل گفتار درونی، ساختارهای شناختی و رفتارها و نتایج ناشی از آنها توانست این توانمندی‌ها را در افراد افزایش دهد.

اجرای این پژوهش با محدودیت‌هایی همچون، محدودیت در روش نمونه‌گیری که از نوع در دسترس بوده، محدودیت در استفاده از ابزارهای پژوهش از نوع خودگزارشی بوده، ناتوانی در کنترل متغیرهای مزاحم مثل جلسات مشاوره فردی و... مشکلات مرتبط با اخذ مجوزهای لازم برای نمونه‌گیری و تأخیر در تشکیل جلسات به دلیل شرایط افراد، همراه بود. همچنین پیشنهاد می‌شود مباحث مرتبط با این پژوهش به طرق مختلف نظیر جزوات آموزشی، بروشور و ... در اختیار افراد قرار گیرد، در برنامه‌های عمومی ادارات کل بهزیستی، مرکز بهداشت و درمان، مراکز مشاوره و مراکز درمانی اعتیاد آموزش مدیریت استرس در نظر گرفته شود. مراکز درمانی اعتیاد یک برنامه جامع برای تحت پوشش قرار دادن اکثریت بیماران تحت درمان توسط برنامه‌های آموزش مدیریت استرس به شیوه مایکن‌بام تدوین شود. این تحقیق در جامعه‌های آماری دیگر نیز مورد پژوهش قرار گیرد و مطالعات طولانی‌تر و با پیگیری‌های بلند مدت انجام شود.

منابع

انتصارفومنی، غلامحسین؛ کابینی مقدم، سلیمان (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی بر سازگاری اجتماعی و تکانشگری در بین دختران ساکن خانه‌های شبانه‌روزی. پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، موسسه آموزش عالی مهر اروند.

آقاگدی، پریسا؛ اعتمادی، احمد (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مدیریت استرس و آرام‌سازی بر تغییر نگرش به تغذیه در نوجوانان دارای اختلال خوردن. مجله روان‌شناسی سلامت، ۲۱(۱۲)، ۱۶-۵.

پرویز، کوروش؛ آقامحمدیان شهرباف، حمیدرضا؛ دهقانی، محمود (۱۳۹۰). رابطه میان قدرت نفوذ و فراشناخت در میان دانشجویان دختر و پسر. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۹(۲)، ۱۲۶-۱۱۸.

پورسید موسایی، سیده فاطمه؛ موسوی، سید ولی...؛ کافی، سید موسی (۱۳۹۱). مقایسه و رابطه بین استرس با ولع مصرف در وابستگان به مواد افیونی و صنعتی. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۶(۲۴)، ۲۶-۹.

نوابی، محمد (۱۳۹۴). طرح توانمندسازی روان‌شناختی در برابر آسیب‌های روانی و اجتماعی نوجوانان و جوانان. *کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روان‌شناسی و علوم اجتماعی*، تهران: موسسه مدیران ایده پرداز پایتخت ایلیا.

جابریان، عبدالحمید (۱۳۹۱). *اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر آمادگی نسبت به درمان و کاهش وسوسه بیماران تحت درمان اعتیاد شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران

جعفری، علی؛ جعفری، صبا؛ حسینی، سید مجید (۱۳۹۶). اثربخشی توانمندسازی روان‌شناختی در کاهش اضطراب و بهبود کارکردهای اجرایی زنان دارای همسر معتاد. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۸(۳۲)، ۸۹-۱۰۹.

حسین زاده، علی اکبر (۱۳۹۷). اثربخشی درمان شناختی رفتاری بر افزایش بهزیستی ذهنی معتادان. *فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی*، ۴(۱)، ۳۹-۳۲.

رجب پور، مجتبی؛ نریمانی، محمد؛ میکائیلی، نیلوفر؛ حاجلو، نادر (۱۳۹۷). اثربخشی مداخلات روان‌شناختی بر پیشگیری از عود اعتیاد. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۱۲(۴۶)، ۱۳۶-۱۲۱.

رحیمی، کاوه؛ حسین ثابت، فریده؛ سهرابی، رامزی (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش تاب‌آوری و مدیریت استرس بر کاهش استرس ادراک شده و تغییر نگرش به مصرف مواد در بین زندانیان مرد وابسته به مواد. *نشریه مطالعات روان‌شناسی بالینی*، ۶(۲۲)، ۱۹-۱.

سپهری نسب، زهرا؛ حسین ثابت، فریده (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مدیریت استرس بر امید و سازگاری بین فردی معتادان تحت درمان. *فصلنامه اعتیاد پژوهی*، ۹(۳۵)، ۸۴-۶۹.

صفری، مهدی؛ موسوی زاده، سیده نرجس (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر در بازگشت به سوء مصرف مواد در مراجعین به مراکز ترک اعتیاد شهرستان مراغه. *نشریه دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی*، ۲۴(۸۶)، ۶۴-۵۷.

کرمی، علی (۱۳۹۷). بررسی رابطه توانمندسازی و مهارت‌های ارتباطی با عملکرد شغلی کارکنان اداره کل آموزش فنی و حرفه ای استان ایلام. *نشریه پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، ۱(۱)، ۳۶-۱۶.

کوهستانی، مینا؛ درتومی، رقیه (۱۳۹۴). حمایت‌های روانی، اجتماعی همسران در پیشگیری از عود. آموزش شیوه درمان با رویکرد کاهش آسیب در پیشگیری از عود اعتیاد. بجنورد: انتشارات ارزینه.

کریمیان، نگار (۱۳۹۱). اثربخشی مدیریت استرس به شیوه شناختی - رفتاری بر پیشگیری از عود مردان وابسته به مواد. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۲۰(۱)، ۳۸-۱۶.

مددیان ابهری، مرتضی (۱۳۹۱). اثربخشی خانواده درمانی ساختاری بر کاهش لغزش و عود و افزایش همکاری در درمان معتادان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد رودهن.

معنوی، شادی (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی آموزش گروهی مدیریت استرس به شیوه شناختی رفتاری بر روی سبک‌های مقابله با استرس، استرس ادراک شده و ولع مصرف مواد در مردان وابسته به مواد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

مکری، آذرخش؛ اختیاری، حامد؛ حسنی ابهریان، پیمان؛ گنجگ آهی، حبیب (۱۳۹۳). معتبرسازی پرسش‌نامه ارزیابی ولع مصرف لحظه‌ای و دوره‌ای در سوءمصرف کنندگان انواع مختلف مواد افیونی، مرکز ملی مطالعات اعتیاد و دانشگاه علوم پزشکی تهران.

نادری، وجهه؛ برجعلی، احمد؛ منصوبی‌فر، محسن (۱۳۹۰). اثربخشی آموزش مهارت مدیریت استرس بر کیفیت زندگی. نشریه سلامت و روان‌شناسی، ۲۱(۲)، ۳۰-۱۳.

References

- Antoni, M. H., Lechner, S. C., Kazi, A & Wimberly, S. R. (2006). How stress management improves quality of life after treatment for breast cancer. *Journal of Consulting and Clinical psychology*, 4(6), 11- 43.
- Blaine, S. K., Nautiyal, N., Hart, R., Guarnaccia, J. B., & Sinha, R. (2019). Craving, cortisol and behavioral alcohol motivation responses to stress and alcohol cue contexts and discrete cues in binge and non-binge drinkers. *Addiction biology*, 24(5), 1096-1108. DOI: 10.1111/adb.12665.
- Conger, J. Rabindra, N., & Kanungo, H. (2012). The Empowerment Process: Integrating Theory and Practice. *Journal of Academy of Management Review*, 13(3), 770-782.
- Geiber, B. B. (2012). Attention deficits in cocaine-dependent patients: convergent behavioral and electrophysiological evidence. *Psychiatry Research*, 160(2), 145-154.
- Hormes, G. M., & Rozin, P. (2010). Dose" Craving" Crave nature at the joints? Absence of a synonym for craving in many languages. *Addictive Behaviors*, 35,459-463.
- Koob, G. F. (2013). Addiction is a reward deficit and stress surfeit disorder. *Frontiers in Molecular Neuroscience*, 10(4), 33-89.
- Matson, J. L. Matson, K. (2013). *Evaluation of social skills with youngsters*. Manual, Worthington, OH, International Diagnostic System. 115-20.

- Price, C. J. & Herting, J. R. (2013). Changes in post- traumatic stress symptoms among women in substance use disorder treatment: The mediating role of bodily dissociation and emotion regulation. *Substance abuse: Research and Treatment*, 7(5), 147-153.
- Reese E. D., Veilleux J. C. (2016). Relationships between craving beliefs and abstinence self-efficacy are mediated by smoking motives and moderated by Nicotine Dependence. *Nicotine & Tobacco Research*, 18(1), 48-55.
- Teoh Bing Fei, J., Yee, A., Habil, M. H., Danaee, M. (2016). Effectiveness of methadone maintenance therapy and improvement in quality of life following a decade of implementation. *Journal of Substance Abuse Treatment*, 69, 50-56. DOI: 10.1016/j.jsat.2016.07.006.
- Torres-Berrio, A., Cuesta, S., Lopez-Guzman, S., & Nava-Mesa, M. O. (2018). Interaction between stress and addiction: Contributions from Latin-American Neuroscience. *Frontiers in Psychology*, 9. DOI: 10.3389/fpsyg.2018.02639.